www.tizland.ir

4 کلید موفقیت

وَی ها اسٔواضای کارٔی پت ّ هت لذت هی بزین ّلی وُیط َ در پای داسٔای، دلوای بزای ایي د ّ ضخصیت د ّست داضٔی هی س ْسٔد؛ چ ْی با ّج ْد ایي کَ ٔلش سٔیادی هی کٔ ّذ ّ وَی اهکاٌات لسٔم بزای ه ْفقیت را دار ً ذ، ّلی زُگش ه ْفق ً وی ض ّ ً ذ. هی داٌذ چزا؟

آی ُا بلذ ً یسٔ ّذ کار ُای سادٍ را بَ درسٔی اٌجام د ُ ّذ ّ رّش ُای سادٍ ّ درست بزای اٌجام کار ُا را ٔبذیل بَ رّش ُای پیچیذٍ هی کٔ ّذ ّ اٌزژی خ ْد را اسٔ دست هی د ُ ّذ ّ در پای ضکست هی خ ْر ً ذ.

بزای ه ْفق ضذی لسٔم است رّش ُای درست بز ً اهَ ریشی، درص خ ْاٌذی ّ آسٔه ْی دادی را یاد بگیزیذ ّ آی ُا را اجزا کٔ ّذ ٔا پیطزفت کٔ ّذ ّ بَ ه ْفقیت ً شدیک ٔز ض ْذ.

اّلیي کلیذ ه ْفقیت، اٌجام درست کار ُای سادٍ است.

گلم)Glum(را کَ هی ضٔ ّاسٔیذ؛ یکی اسٔ ضخصیت ُای کارٔ ْی سفز ُای گالی ْر.

گلم عادت داضت وَ را ً اهیذ کٔ ّذ ّ با ّج ْد ٔلش سٔیادی کَ خ ْدش ّ دیگزای داضٔ ّذ، فکز هی کزد ضکست هی خ ْر ً ذ. اّ ُن هٔل بقیَ ی ضخصیت ُای داسٔای د ّست داضت، ه ْفق ض ْد ّلی فقط بَ ً قاط هٔ ّفی ٔ ْجَ هی کزد ّ ٔلش گز ّ ٍ ً قاط قٔ ْطای را ً وی دیذ.

بزای ه ْفق ضذی بایذ اٌگیشٍ داضت ّ با دیذی ً قاط ضعف ّ ضکست ُای کٔ ْچک ً اهیذ ً طذ. ضکست ُا پلی بَ س ْی ه ْفقیت ُسٔ ّذ ّ باعث هی ض ّ ً ذ قٔ ْی ّ با ٔجزبَ ض ْذ ٔا اداهَ ی هسٔیز ه ْفقیت را بٔ ٍ ٔز ّ ُذفؤ ّذ ٔز طی کٔ ّذ.

د ّهیي کلیذ ه ْفقیت، اهیذ ّ اٌگیشٍ است.

www.tizland.ir

پیُکی یک پسر چوبی بود که خواست نبذیل به یک پسر واقعی شود. اما برای رسیدن به آرزویش نلش زیادی می کرد تا چوبی باریگوش سر به او بدهد، این رسیدن به خواسته باید می آغاز.

پیُکی بزرگش این نلش کردی برای رسیدن به آرزویش، خسته ًطذ آی قذر نلش کرد تا ایي که نبذیل به یک پسر واقعی شذ.

برای رسیدن به آرزو باید نلش کرد خسته ًطذ. این نلش کردی لذت برد به خاطر هوقیت ُای کوچک خوضحال شذ برای حفظ آی ُا نلش کرد.

سوهي کلیذ هوقیت، نلش کردی اداه َ دادی است.

فرض کُیذ یک چراغ جادو داریذ ُ زچیشی که دوست داریذ، در چطن برُن سدًی برایتای آمادٍ می کُذ. اول این داضتي آی چیش ُای که بذست می آوریذ، لذت می برید تا رفته َ آی ُا را به راحتی این دست می دُیذ، چوی برای بذست آوردی ضای نلضی ًکردٍ ایذ داضتي آی ُا لذتی برایتای به ُوزاٍ ًذارد.

قتی ُذفی داریذ برای رسیذی به آی نلش می کُیذ، باید به خاطر نلش ُایتای خوضحال باضیذ این آی ُا لذت ببریذ. قذر سخت کوضی خود را بذاًیذ به خاطر آی، خودتای را نطوق کُیذ. ًقاط قوت خود را ضُاسایی کُیذ برای حفظ آی ُا نلش کُیذ.

چ ِاره‌ي کلیذ هوقیت، حفظ ًقاط قوت است.

...هوق باضیذ...